

و تخفیف آن نیز آمده **جهان** بالفتح بدل از تشدید با بدول و مجرا و کورستان  
 درین هموار که در و گیاه بسیار خوب روید **جهین** و و طرف جبهه از و وجوب  
 دوازده وجهه باین دو ابرو باشد چنانکه گویند **جهان** و **جهان** هر دو  
 بالفتح **جهان** بالضم تک میماند خالی بر از آنکه که از آن و هموس زنده و حاجی  
 کوز تا خشک کنند و جبین نیز با معنی آمده و نام شهر مرز و بالفتح **جهین** در وقت  
 و گویند در وانه است در و مشق **جهان** بالضم عادت کردن بکاری و نرم و  
 سوده شدن جامه و زره و آرد کردن و در **جهین** بالضم تلک چشم و شخ و  
 رخ درخت زرد و پوست از انکور و در وقت خورشید و موم ضعیف لطافت  
 و نام شمشیر و بالفتح **جهان** لغت هر دو جمع لفظ میانه اول  
 از اسمی که گویند و یکی که آواز ندر دیده باشند و نام کشیز و کشیز گویند  
**جهین** بالفتح موصیفت در و مشق و گویند در و از است از مشق  
**جهان** لغت هر دو وارد و هر نامی همین که بر شل مر و وارد سازند **جهان** بالضم  
 دیوانه شدن و پوشیدن و در از شدن و انبوه شدن درخت و گیاه و  
 و بسیار شدن و آواز کشیدن و تاریکی شب **جهان** بالفتح و تشدید نون پوشیدنی  
 و درش کردن مرده و کشیدن و کشی از مردم و بالکسر و تشدید نون اول  
 چیز و سکو و گیاه و پری گویند که نوحی از ملک است **جهان** بالفتح در آمدن  
 و تاریک شدن شب و اول جامه و اول شب و اکثری از مردم و بالکسر  
 باغها و جیان و سپهر با و شخی اول جمع **جهان** بالفتح و معنی نامی جمع **جهان** و معنی  
 نامی جمع **جهان** بالضم **جهان** بالفتح و در کور کرده شده و یکی که در سنگ مادر باشد  
 و هر چیز بنام **جهان** لغت کور و مرده و کشن و بضمین جنون و لغت اول جمع  
 نامی جمع **جهان** بالضم **جهان** لغت کور و کشن و بضمین جنون و لغت اول جمع  
 نامی جمع **جهان** بالضم **جهان** لغت کور و کشن و بضمین جنون و لغت اول جمع

بگون

بگون و او گویند در نام **جهان** بالفتح کورستان **جهان** بالفتح زره  
 و جهان شب و اول شب کینه و ذوالجوشن نام صحابی است پدر **جهان**  
**جهان** قاتل حضرت امام حسین **جهان** و او در عرب اول کسی که  
 جوشن پوشیده بود یا آنکه او را کسی جوشن داده بود یا آنکه سینه اش  
 بر آمدگی داشت **جهان** بالفتح کما هیئت که از غایت بر کسی بسیاری نند  
 و معنی سیاه و سفید و سرخ هر سه آمده و است شسته سخت سیاه و معنی زور  
 نیز آمده و نام است مشهور در رهند **جهان** بالفتح کما هیئت میان **جهان**  
 و ما و از انهر نزدیک **جهان** بالضم **جهان** بالضم موصیفت در و مشق و گویند  
 است بدقت **جهان** بالفتح شده است در نام **جهان** بالکسر  
 کان و کلمان جمع جار و نام دهبست با صفیان **جهان** بالضم هر سه  
 حرکت سنگ نوده و بضمین و تشدید و او را نوشتن **جهان**  
 بالفتح از کسی نایده جو استن **جهان** بالضم حرکت هر چه خورد باشد از  
 خر و زره و خیار و حنظل و مانند آن و یکی که در یک شتر و یکی در زره **جهان**  
 بالفتح و تشدید و او میان زمین و آسمان و هوای آن و زمین است **جهان**  
 بالفتح یا کینه شدن و جلا وطن شدن **جهان** بالضم **جهان** بالضم  
 بالفتح بر بنیانی زدن و کسی را از چیزی باز داشتن و تا با نیست بر کسی  
 آوردن و لی و لولی طرف باستان و بضمین زدن که می باشد **جهان**  
 بالکسر سیالی نام و اسبان و کوههای مردم **جهان** بالضم بضمین بزم شدن پیشی از  
 موی **جهان** بالضم نام خونی بر روی کسی در آمدن **جهان** بالضم **جهان** بالضم  
 میوه **جهان** بالضم حرکتند و هزار تا که نند و یکی نام **جهان** بالضم  
 لغت هر دو آمده و تشدید یا هر دو را نوشتن و ایستادن بسره کشان

جهان عبارت است از دو توب که  
 میان آنها بنام بود  
 جهان یعنی کما یعنی میرا آدمی تعالی  
 جهان یعنی زود و زود و زود  
 جهان یعنی کما یعنی میرا آدمی تعالی  
 جهان یعنی کما یعنی میرا آدمی تعالی